

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۳۱۱-۳۳۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۲۶



بررسی جایگاه عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی

حجت نصرارکن^۱، بابک محمدرضاپور اوزان^{۲*}، یوسف مولایی^۳

چکیده

مسئولیت مدنی و عدالت خواهی که در کنار آن توزیع عدالت در جامعه به شکل صحیح، از مباحث عدالت اجتماعی در جامعه می‌باشد. تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی اثر عدالت توزیعی بر مسئولیت مدنی می‌پردازد. مسئولیت مبتنی بر تقصیر در پاسخگویی در برخی زمینه‌ها از جمله مسئولیت مدنی دولت در قبال شهروندان در برخی موارد انعکاس‌هایی در خصوص عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی مشاهده می‌شود اما اساس مسئولیت مدنی همچنان بر اساس نظریه تقصیر استوار است. تقسیم و توزیع مساوی تقصیر میان چند عامل مشترک که درجه تقصیر آنها مشخص نیست و همچنین مسئولیت مدنی صندوق تامین خسارت بدنی، از مهمترین مصادیق انعکاس عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در حقوق ایران است. در حقیقت یافته‌های این مقاله بر این حاکیست در حقوق ایران تراز توزیع به دلیل فقدان‌های کارآمد صحیح توزیع نمی‌شود در مواردی نیز می‌توان از دیدگاه فقها به تساوی موارد قانونی اشاره کرد چرا که قانون مدنی بر پایه حقوق شهروندی و همینطور در زمینه حقوق پایه‌ای از دیدگاه فقیه نیز باشد.

واژگان کلیدی: عدالت توزیعی، مسئولیت مدنی، درجه تقصیر، توزیع مساوی تقصیر، درجه تقصیر.

^۱. گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه؛ ایران.

^۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه؛ ایران (نویسنده مسئول).

mohamadrezapoor@gmail.com

^۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

مقدمه

ایجاد ارزش‌های نو در حقوق مسئولیت مدنی باعث تحولاتی شده است که ریشه اصلی همه ارزش‌ها و تحولات، لزوم مصالح اجتماعی و عدالت در اجرای اصول حقوقی و قوانین است. مصادیق عدالت به تناسب شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند و تغییر شرایط زندگی اقتصادی سبب دگرگونی روابط اجتماعی می‌شود (پورکافی، ۱۳۹۴: ۸۹). در حقوق مدنی ایران، می‌توان در چند مورد تاثیر عدالت توزیعی بر مسئولیت مدنی را تبیین کرد. یکی مورد اسباب اجتماع در وقوع خسارت است. یکی از مهمترین مسائل در حوزه مسئولیت مدنی، مسأله اجتماع اسباب در وقوع خسارت است زیرا بسیاری از حوادث زیانباری که اتفاق می‌افتد معلول چند عامل یا سبب است و تعیین سبب مسئول از میان این اسباب کار دشواری است. از این‌رو، تقسیم مسئولیت به تساوی و مطالبه خسارت از تمام اسباب مجمل با قطع و یقین به اینکه چند سبب در وقوع زیان نقش داشته‌اند، به نحوی که ضرر از مجموع این اسباب و شرایط حاصل شده و وجود رابطه سببیت بین همه آن اسباب و ضرر ایجاد شده است و با توجه به دخالت همه اسباب در وقوع ضرر، ترجیح یکی از آنها بر دیگری ترجیح بلامرجح و فاقد توجیه می‌باشد (کاظمی، ۱۳۹۰: ۸۵)، باید همه اسباب مذکور را مسئول دانست و جبران خسارت را بر عهده همگی آنها گذاشت. علاوه بر این در قانون بیمه اجباری، صندوق تامین خسارت بدنی بر حسب عدالت توزیعی در مواردی مشخص، پرداخت خسارت بر عهده گرفته است که مصداق بارز تاثیر عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی است. در این مقاله تلاش شده، موارد و مصادیق مسئولیت مدنی مبتنی بر عدالت توزیعی در حقوق ایران مورد بررسی قرار گیرد.

۱) عدالت توزیعی و مبنای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی

در این قسمت تلاش شده، عدالت توزیعی و مبنای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی در حقوق موضوعه مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱) توزیع خسارت به صورت تساوی

مقنن ایرانی در ماده‌ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی اشتراک در مسئولیت به تساوی را پذیرفته است. این ماده قانونی از متون فقهی و نظرات فقهای امامیه (نظر مشهور) گرفته شده است. نکته حائز اهمیت این است که فقهای اسلامی مثال‌های مورد نظر را بیشتر طوری انتخاب کرده‌اند که تأثیر هر یک از اسباب در نتیجه زیانبار بطور مساوی بوده است، بنابراین طبیعی است که حکم قضیه نیز همان خواهد بود. ظاهراً قانون مجازات اسلامی (در ماده ۳۶۵) حکم موردی را بیان می‌دارد که، تأثیر هر یک از سبب‌ها بطور مساوی است بنابراین مسئولیت هم بنحو مساوی تقسیم می‌گردد. نتیجه‌ی این تحلیل این خواهد بود که ماده‌ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی در موردی که تأثیر هر یک از اسباب متفاوت باشد ساکت است.

با بررسی منابع مختلف فقهی و توجه به نظریات تحلیلی فقها، می‌توان دریافت که توزیع خسارت بر اساس تساوی عددی اسباب، رویکرد نظر مشهور آنها می‌باشد و اگر ایرادات وارد بر معیارهای دیگر را نیز در نظر آوریم و توجه داشته باشیم که آن معیارها، به طور جزئی مطرح نشده‌اند بلکه ظنی و احتمالی هستند، ارزش معیار تساوی بهتر درک می‌شود. برای روشن شدن این ادعا، بهتر است به برخی از منابع فقهی اشاره شود. فخر المحققین پس از نقل کلام علامه در مورد دخالت سه نفر در خراب کردن دیوار و کشته شدن یکی از آنها و قول اقرب که یک سوم دیه مقتول را عهده هر کدام از دو نفر دیگر می‌داند، می‌گوید: «و وجه القرب انه تلف بفعله و بفعال الاخرین فیسقط ما قابل فعله و الا لزم ان یضمن الشریک فی الجنایة جنایة شریکه و هو محال و هو الا قوی عندی» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۶۷۵). صاحب کتاب «مفتاح الکرامه» در موردی که دو شخص، طنابی را می‌کشند و یکی از آنها، در اثر پاره شدن طناب، سقوط کرده و کشته می‌شود حکم به پرداخت نیمی از دیه می‌دهد (مشروط بر اینکه مقتول، غاصب طناب نباشد که در این صورت نه تنها مسئولیتی نیست بلکه ضامن خسارات مالک هم خواهد بود) و می‌گوید: «وضعیت کسانی که چیزی را می‌کشند مانند وضعیت کسانی است که تصادم می‌کنند زیرا خسارت و تلف به دلیل جنایت هر

دو است و بر عهده هر یک از آنها یا عاقله آنها، نصف دیه طرف خواهد بود... و هیچ فرقی بین آنها از حیث تساوی در محل ایستادن [یکی کنار پرتگاه و دیگری در جای دیگر] و بین قوت و ضعف آنها همان طور که در مورد تصادم کنندگان گفته شد وجود ندارد». در کتاب «کشف اللثام» نیز هر چند بیان شده است که احتمال توزیع خسارت بر اساس «قدر عمل» وجود دارد اما در مجموع به تساوی مسئولیت قائل شده‌اند (خدابخشی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

مطالعه مفهوم رابطه سببیت و تقصیر که بعدها مبنای تقسیم مسئولیت قرار گرفت، ثابت می‌کند که نظریه تساوی مسئولیت می‌تواند مبنای عقلی و منطقی داشته باشد و چنان که گفته شد.

در حال حاضر نیز دادگاه‌های فرانسه در خصوص تصادم دو نفر که به هر دوی آنها زیان وارد شده است، از این روش پیروی می‌کنند (Jourdain, 2010: 31). واقعیت آنست که با توجه به اینکه رابطه سببیت یک مفهوم مادی نیست که با ابزار و تجزیه و تحلیل‌های مادی بتوان آن را مشخص کرد، تعیین آن از مشکلات مسئولیت مدنی است و تعیین میزان تأثیر هریک از عوامل زیان، موضوعی به مراتب دشوارتر است. راه‌حلی که ارائه شده‌اند، نیز ظنی هستند و با هیچ معیاری نمی‌توان به طور قطع ثابت کرد که مثلاً شخص الف ۷۵ درصد در وقوع زیان مؤثر بوده و شخص ب ۲۵ درصد. بلکه در عمل، عوامل دیگری همچون عدالت و انصاف و دیگر اهداف انگیزه‌های اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی مبنای تقسیم مسئولیت قرار گرفته و در تعیین میزان مسئولیت مؤثرند، چنان که در حال حاضر نیز همین نظر در کشورهای غربی حاکم است؛ یعنی دادگاه‌ها بر مبنای عدالت و انصاف میزان مسئولیت هریک از عوامل زیان را معین می‌کنند. براین اساس، برای جلوگیری از اعمال سلیقه و به ویژه در کشورهایی که انصاف جایگاه مهمی در استنباط احکام ندارد (مانند کشور ما)، تساوی مسئولیت، عادلانه‌ترین و کم‌اشکال‌ترین راه‌حل به نظر می‌رسد (کاظمی، ۱۳۹۳: ۷۳).

۳۱۵... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

۲-۱) توزیع عادلانه خسارت حسب درجه تقصیر

در حقوق ایران تقسیمات تقصیر بر حسب شدت و ضعف درجه‌ی تقصیر مبنائی ندارد زیرا تقصیر به هر درجه‌ای که باشد ایجاد مسئولیت می‌کند. بنابراین تقصیر سنگین به همان اندازه‌ای ایجاد مسئولیت خواهد کرد که تقصیر سبک و بسیار سبک ایجاد می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۵۶). در تائید این نظر می‌توان گفت چون در حقوق ما به جبران زیان‌های بیشتر توجه شده است و هدف جبران خساراتی است که به زیان‌دیده وارده شده است شدت و ضعف تقصیر تاثیری در میزان مسئولیت نخواهد داشت چرا که میزان مسئولیت باید با میزان زیان‌های وارده تناسب داشته باشد. لذا به عنوان یک قاعده می‌توان پذیرفت که درجه‌ی تقصیر در میزان مسئولیت موثر نمی‌باشد اما در مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر وجود تقصیر شرط استقرار مسئولیت است و با انتفای آن مسئولیت نیز منتفی می‌گردد لیکن از آنجائیکه تقصیر ممکن است خسارات سنگین به بار بیاورد میزان مسئولیت به اندازه خسارات وارده خواهد بود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۵۳). در پاره‌ای از موارد نیز قانونگذار به درجه‌ی تقصیر توجه داشته است مثلاً مطابق بند ۲ ماده‌ی ۴ قانون مسئولیت مدنی که مقتبس از بند ۲ ماده‌ی ۴۴ قانون تعهدات سوئیس است. «هر گاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده شود دادگاه می‌تواند میزان خسارت را تخفیف دهد.

ماده‌ی ۱۶۵ قانون دریائی مصوب ۱۳۴۳ نیز به شدت و ضعف تقصیر توجه داشته و مقرر می‌دارد: «اگر دو یا چند کشتی مرتکب خطا شوند، مسئولیت هر یک از کشتی‌ها متناسب با اهمیت تقصیری است که از آن کشتی سر زده است. معذک اگر تشخیص اهمیت تقصیری با شواهد و قرائن ممکن نباشد و یا تقصیر طرفین بنظر یکسان برسد طرفین به نسبت متساوی مسئول خواهند بود.

به نظر می‌رسد که در حقوق ایران با توجه به اصول و قواعد کلی موجود در حقوق اسلامی، علی‌القاعده درجه‌ی تقصیر را نباید در میزان مسئولیت تاثیر داد و پاره‌ای از مقررات موجود را به عنوان یک قاعده‌ی خاص تلقی نموده و در مواردی که صریحاً

اجازه داده شده است از آنها استفاده نمود.

برخی از فقهای معاصر در خصوص تقسیم خسارت به درجه تقصیر اسباب نظر دارند. برای مثال، در پاسخ به این سؤال که برای تعیین مسئولیت کارفرما و کارگر آیا درجه تأثیر باید ملاک عمل قرار گیرد یا درجه تقصیر؟ گفته می‌شود: «ظاهراً به نسبت تقصیر باید محاسبه شود چون تقصیر و بی‌مبالاتی، خود موجب ضمان است و در نتیجه کارفرما به نسبت ۶۰ درصد مقصر است و اگر این تقصیر را کارفرما نکرده بود خطر ۴۰ درصد بیشتر نبود. بنابراین می‌توان گفت که تأثیر بیشتر هم مربوط به کارفرما است که مانع را به وجود نیاورده است. در مورد حوادث رانندگی و اعلام نظر کارشناس مبنی بر درصدهای متفاوت تقصیر راننده و زیان‌دیده نیز به تقسیم زیان بر اساس درجه تقصیر نظر داده‌اند و می‌گویند: «چون باب ضمان است و اصل ضمان و ضامن نسبت به انسان و اعضای او عقلایی است، گرچه مقدار ضمان به عنوان دیه در برخی از موارد تعیین شده، بناء علی هذا، نسبت‌سنجی در ضمان‌ها مانعی ندارد (صانعی، ۱۳۸۴: ۲۸۲).

متداول‌ترین روش برای تقسیم مسئولیت در نظام‌های حقوقی غربی، تقسیم بر مبنای درجه تقصیر بوده است که هنوز هم طرف داران زیادی دارد. شاید بتوان گفت پس از آنکه تساوی مسئولیت کنار نهاده شد، اولین معیاری که برای تقسیم مسئولیت در نظر گرفته شد، درجه تقصیر بود. در این روش، به هر میزان که درجه تقصیر عاملان زیان شدیدتر باشد، مسئولیت بیشتری در قبال زیان ایجاد شده دارند و میزان بیشتری از خسارت ایجاد شده را باید جبران کنند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۷۴).

در حقوق ایران نیز بند الف ماده ۱۶۵ قانون دریایی در زمینه زیان‌های ناشی از تصادم دو کشتی از این معیار پیروی کرده که به نظر می‌رسد این قانون از قانون دریایی انگلیس اقتباس شده است.

در خصوص شیوه و چگونگی ارزیابی درجه تقصیر نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. در برهه‌ای از زمان که نظریه شخصی تقصیر حاکم بود، درجه تقصیر بر مبنای میزانی که شخص قابل سرزنش بود تعیین می‌شد؛ یعنی هرچه شخص بیشتر قابل سرزنش بود، درجه تقصیر او شدیدتر می‌شد. اما با پذیرش مفهوم نوعی تقصیر، به

۳۱۷....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

هر میزانی که شخص از رفتار یک فرد متعارف تخطی می‌کند، مقصرت‌تر و تقصیر او شدیدتر بود؛ هرچند به لحاظ شخصی قابل سرزنش نبود. معیار اخیر طرفداران بیشتری دارد (Fleming, 1971: 220).

۳-۱) توزیع خسارت حسب انصاف

تأثیر انصاف در مبانی حقوقی مسئولیت مشهود است؛ برای مثال پیروان نظریه ایجاد خطر می‌گویند در صورت به وجود آمدن خسارت ما با دو شخص روبه رو هستیم که یکی مرتکب فعل زیانبار است و دیگری زیان‌دیده. اگر عامل زیان مرتکب تقصیر شده باشد، روشن است که باید خسارت زیان‌دیده را جبران نماید، اما اگر وی مرتکب تقصیر نشده باشد، با دو شخص بی‌گناه روبه رو هستیم که حادثه زیان‌دیده را انتخاب کرده است. اما حقوق این بی‌عدالتی را نمی‌پذیرد و انصاف حکم می‌کند که عامل زیان را انتخاب کنیم؛ زیرا که وی مرتکب فعل زیانبار شده، در حالی که زیان‌دیده نقشی در وقوع خسارت نداشته است (بادینی و اسلامی، ۱۳۹۲: ۲۸).

از سوی دیگر غالباً زیان‌دیدگان از طبقات فقیر جامعه بودند و عواملان زیان از ثروتمندان و فرایند دادرسی برای زیان‌دیدگان هم سخت و پیچیده بود و هم این که توان مالی چنین دادرسی را نداشتند. برای مثال، چنانچه کارگران می‌خواستند چنین دعوی مسئولیت مدنی را علیه کارفرما طرح کنند ممکن بود حتی با اخراج مواجه شوند و همین مقدار کم حقوق را نیز از دست دهند. این امر از آن جهت هم منصفانه است که بگوییم عامل زیان از این محیط خطرناک سود می‌برد، پس او هم باید خسارتهای وارد را جبران کند؛ موضوعی که سابقه فقهی هم دارد: «من له الغنم فعلیه الغرم»؛ یعنی خسارت هر کاری را کسی متحمل می‌شود که سود آن کار برای او است. وانگهی، محدود شدن خسارات قابل مطالبه در نظام‌های مبتنی بر مسئولیت محض یکی از مصادیق انصاف است، زیرا در این مسئولیت‌ها نیازی به اثبات تقصیر نیست و اگر میزان خسارات قابل مطالبه نامحدود باشد پرداختن به آن فعالیت که ممکن است فواید بسیاری داشته باشد به صرفه نباشد و عواملان زیان بالقوه را در تنگنا قرار داده، با

خطر ورشکستگی روبه رو کند، در حالی که حقوق مسئولیت مدنی باید در نقطه‌ای که می‌توانیم آن را نقطه تعادل بنامیم حقوق زیاندیدگان و واردکنندگان زیان را با هم جمع کند.

یکی دیگر از مصادیق انصاف را می‌توان در امکان تعدیل وجه التزام مشاهده کرد. برخی اعمال ماده ۴ مسئولیت مدنی را در مسئولیت‌های قراردادی و حتی درخصوص خسارت توافقی قراردادی نیز قابل اعمال دانسته‌اند. قاضی می‌تواند برای ایجاد تعادل میان طرفین قرارداد زمانی که اجرای توافق یا به طور دقیق‌تر شرط کیفری، یک موقعیت آشکارا غیرمنصفانه به وجود آورد، به کاربرد اصلاحی انصاف توسل جوید. این اختیار به شخصی‌سازی مقرر قانونی کمک می‌کند، زیرا که قاضی باید عناصر هر مورد را مورد توجه قرار دهد. اختیار تعدیل نه تنها در زمینه تجدیدنظر در شروط کیفری، بلکه در زمینه اعطای مهلت در پرداخت دین نیز وجود دارد. از سوی دیگر، اگر تعهد اصلی موضوع قرارداد تجزیه‌پذیر بوده، از اجرای بخشی از آن، سودی عاید طلبکار شده است، در این صورت، تبعیت از قصد مشترک طرفین و نیز عدالت و انصاف اقتضا می‌کند که وجه موضوع شرط کیفری به نسبت انتفاعی که متعهدله از اجرای بخشی از قرارداد برده است، تعدیل شود. البته تعدیل وجه التزام در این مورد بر مبنای نظریه سوء استفاده از حق نیز قابل توجیه است.

در حقوق ایران مبنای اصلی مسئولیت مدنی نظریه تقصیر است. این نظریه بسیار قدیمی است و پاسخگوی نیازهای جدید در برخی حوزه‌ها از قبیل محیط‌زیست نیست. این نظریه، سستی‌ترین نظریه در مسئولیت مدنی است. بر این اساس خسارات در بعضی حوزه‌ها از جمله موارد زیست‌محیطی قابل مطالبه نیست مگر این که بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود. بنابراین زیان‌دیده اگر بتواند ثابت نماید که عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته مسئول خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۴). این نظریه که تقریباً رویکرد شایع در رژیم مسئولیت مدنی حقوق ایران است با مبنای و فلسفه حقوق محیط‌زیست فاصله دارد. هرچند نظریه تقصیر در برقراری در رابطه سببیت و اسناد عرفی زیان به فاعل نقش بازی می‌کند ولی نمی‌تواند مبنای جامعی باشد (Uliescu, 1993: 382). در واقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از

۳۱۹.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

خسارات از جمله در مسایل زیست‌محیطی را دشوار می‌نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست‌محیطی بر خلاف سایر حوزه‌ها مشکل است که این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست‌محیطی، تکرر آلوده‌کنندگان یا «آلوده‌کنندگان متعدد»، انگیزه پایین قربانیان خسارات زیست‌محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت است (بابایی مقدم، ۱۳۸۵: ۵۳). نظریه تقصیر در همه موارد از جمله مسولیت مدنی نهادها و سازمان‌های دولتی پاسخگوی مسولیت مدنی نیست. نظریه تقصیر، مبنای مناسبی برای مسوولیت محسوب نمی‌شود و باید از نظریه‌های بدون تقصیر در این راه استمداد نمود و در مرحله بعد یعنی در رجوع دولت به کارمند خاطی از نظریه تقصیر استفاده نمود و در مرحله بدوی یعنی جبران خسارت زیان‌دیده باید بدون توجه به عامل و مورد زیان با توجه به بودجه اختصاص داده شده به آن، خسارت زیان‌دیده جبران شود.

به نظر می‌رسد، جای خالی این دو نظریه در حقوق مسولیت مدنی ایران احساس می‌شود: نظریه تضمین حقوق و نظریه مسولیت محض. امروزه برای مسولیت مدنی در بسیاری از موارد از نظریه‌های جدیدتری مانند نظریه تضمین حق و نظریه محض استفاده می‌شود. حقوق‌دانان مشهور فرانسوی بوریس استارک این نظریه را ارائه کرده است. او برخلاف و اضعان و طرفداران نظریه‌های تقصیر و خطر به منافع از دست رفته زیان‌دیده و حقوق بنیادین او عنایت داشته و همت خویش را در تضمین حقوق زیان‌دیده مصروف داشته است (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۵). طبق این نظریه حق انسان بر تمامیت جسمانی خود و نزدیکانش و حق شخصی بر تمامیت مادی اموال و حق برخورداری از فرض برداشت از جمله حقوق بنیادین افراد است. در صورت تجاوز به این حقوق، دولت موظف است به کمک قربانی بشتابد زیرا دولت موظف بود که امنیت لازم را برای حفظ این حقوق در جامعه فراهم کند و در صورت تجاوز فرض بر این است که دولت نتوانسته زیان‌دیده را در مقابل این گونه جرائم حمایت کند لذا خود باید مستقیماً جبران خسارت را بر عهده گیرد و آنگاه خود برای استرداد آنچه به قربانی پرداخت کرده است متهم و یا شخص مقصر را تحت تعقیب قرار دهد. این نظریه را می‌توان به نوعی بعنوان نظام‌های جایگزین مسولیت مدنی قلمداد نمود زیاد با توجه به قواعد مرسوم نظام مسولیت مدنی (رابطه سببیت) حقوق بنیادین بسیاری از افراد

جامعه بلاجبران باقی می ماند لذا این نظریه در مواردی بدون توجه به قواعد مرسوم مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده را لازم می داند. در حال حاضر تنها کشوری که نظام مسئولیت مدنی جبران خسارت مدنی را الغاء و نظام عامی را برای خسارات زیان دیدگان هر نوع حادثه برقرار کرده است کشور نیوزیلند است تدوین کنندگان طرح الغای حق طرح دعوا بر مبنای قواعد مسئولیت مدنی و جایگزین آن با طرح و جبران خسارت بدون تقصیر تحت نظر دولت را مبتنی بر قرارداد اجتماعی بین دولت و مردم نیوزیلند می دانند (Lunney, 2000: 801). در حقوق ایران نیز طبق قواعد اسلامی (خون مسلم نباید هدر برود) هر جا که عامل جنایت شناسایی نشود و یا عامل جنایت توان مالی برای جبران خسارت نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود مواد ۲۵۵ و ۲۶۰ و ۳۱۳ ق.م.ا از مصادیق بارز حمایت از حقوق بنیادین به شمار می روند.

۲) عدالت توزیعی در صندوق تامین خسارت بدنی

مسئولیت صندوق تامین خسارت بدنی، از مهمترین مصادیق انعکاس عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در حقوق ایران است یکی از مهم ترین و پرکاربردترین نهادهای حمایتی که در کنار قانون بیمه اجباری در جبران خسارت نقش به سزایی ایفا می کند نهاد صندوق تامین خسارت های بدنی است. صندوق تامین که در سال ۱۳۴۷ با تصویب قانون بیمه اجباری وارد نظام حقوقی ایران گردید با وجود اهمیت به سزای آن در جبران خسارت زیان دیدگان حوادث رانندگی هیچ گاه آنگونه که شایسته است مورد تحلیل و بررسی حقوقدانان قرار نگرفت. از همین رو نظر به تصویب قانون جدید بیمه اجباری مصوب ۹۵ و تغییرات حائز اهمیتی که در عنوان و مبانی این قانون نسبت به قوانین سابق صورت گرفت مقررات مربوط به صندوق تامین خسارتهای بدنی که در بخش سوم این قانون بیان شده است نیز دستخوش تغییراتی گردید. صندوق نهادی عمومی غیردولتی است که در راستای عدالت توزیعی وفق ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری ۹۵ منابع مالی آن از راههایی از جمله: درصدی از حق بیمه اجباری موضوع این قانون، مبالغ وصولی از اشخاص فاقد پوشش بیمه نامه، درصدی از جریمه های وصولی

۳۲۱....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

راهنمایی و رانندگی و... تامین می‌گردد. لازم به ذکر است مطابق با تبصره ۳ همین ماده دولت موظف است در صورت کمبود منابع مالی صندوق، در بودجه‌ی سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تامین نماید. از جمله تغییرات حائز اهمیت قانون بیمه اجباری در وهله‌ی نخست تغییر عنوان قانون از «بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» در سال ۸۷ به «بیمه‌ی اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث» در سال ۹۵ بود. در این مبحث تلاش شده است موارد مسولیت مدنی صندوق تامین خسارت بدنی به عنوان یکی از مصادیق عدالت توزیعی در مسولیت مدنی بررسی شود.

۱-۲) موارد مسولیت مدنی صندوق تامین خسارت بدنی

بر اساس ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری: «به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله‌ی نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود. همانگونه که از ماده فوق دریافت می‌شود موارد صلاحیت صندوق با اندک تغییرات حائز اهمیتی همان مواردی است که در قانون ۱۳۸۷ پیش‌بینی شده بود و این موارد شامل: فقدان بیمه، بطلان عقد بیمه، تعلیق تأمین، شناخته نشدن وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه، صدور حکم توقف یا ورشکستگی و به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه، مطابق با مقررات این قانون می‌باشند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

۲-۲) فقدان یا انقضاء بیمه‌نامه

به موجب ماده ۲ قانون بیمه‌ی اجباری ۱۳۹۵ کلیه دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری

زمینی مکلف شده‌اند تا مسئولیت مدنی ناشی از حوادث وسایل نقلیه خویش را نزدیکی از شرکت‌های بیمه مجاز به انجام فعالیت بیمه‌ای از جانب بیمه مرکزی ایران بیمه نمایند. ماده ۲ اشعار می‌دارد: کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه‌ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

با این حال باز هم شماری از رانندگان بدون داشتن بیمه‌نامه به رانندگی می‌پردازند و از این حکم و الزام قانونی پیروی نمی‌کند. حال اگر در چنین وضعیتی موجب ایجاد حادثه رانندگی گردند، بر اساس ماده ۲۱ قانون بیمه‌ی اجباری صندوق موظف به جبران خسارت‌های بدنی اشخاص ثالث می‌گردد.

حمایت از زیاندیدگان سوانح رانندگی که وسیله مسبب حادثه دارای بیمه‌نامه معتبر نبوده و یا مهلت و مدت بیمه‌نامه وسیله به اتمام رسیده باشد از جمله موارد داخل در تعهدات بوده و قابل حمایت می‌باشد ولیکن باید توجه داشت که فقدان پوشش بیمه‌نامه یا انقضای آن مستندا به صراحت ماده ۲۵ این قانون، از جمله موارد قابل بازیافت از مقصر یا همان مسبب حادثه می‌باشد. (بند الف ماده ۲۵).

۲-۳) بطلان قرارداد بیمه

صرف نظر از شرایط اساسی صحت معاملات مذکور در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، بر اساس قانون بیمه شرایط خاصی برای اعتبار قرارداد بیمه در نظر گرفته شده است که عدم رعایت آن‌ها می‌تواند منجر به بطلان این قرارداد گردد. بر این اساس موارد بطلان قرارداد بیمه‌ی اجباری را می‌توان در این ۳ مورد خلاصه کرد که این مورد نیز وفق بند الف ماده ۲۵ قابل بازیافت از مسبب حادثه می‌باشد.

۳۲۳... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

۱-۳-۲) عدم رعایت اصل حسن‌نیت

مهم‌ترین اصل حاکم بر قراردادهای بیمه اصل حسن‌نیت است، (کریمی، ۱۳۷۷: ۶۰) زیرا بر خلاف سایر قراردادها که طرفین پاره‌ای از اطلاعات را از طریق بررسی و مشاهده عینی به دست می‌آورند، در عقد بیمه این اطلاعات بر اظهارات و تصورات طرفین استوار است و چون احتمال خطر بر مبنای آن‌ها محاسبه می‌شود لذا می‌بایست به درستی و به میزان لازم در اختیار طرفین قرار گیرد (امینی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). بر همین اساس است که ماده ۱۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ عدم رعایت اصل حسن‌نیت را موجب بطلان عقد بیمه دانسته است.

۲-۳-۲) عدم رعایت اصل غرامت

یک تعریف قابل قبول از غرامت عبارت است از: جبران مالی مناسب و کافی برای قراردادن بیمه‌گذار بعد از وقوع حادثه درست در همان موقعیت مالی که وی قبل از وقوع حادثه از آن بهره‌مند بوده است (پاول، ۱۳۸۱: ۱۹۷). بر اساس این اصل بیمه‌گذار حق دارد تا میزانی که زیان‌دیده است غرامت یا تاوان را درخواست نماید (محمودصالحی، ۱۳۸۴: ۱۱۵) و او نمی‌تواند عقد بیمه را وسیله‌ای برای بردن نفع بیش‌تر قرار دهد لذا اگر بیمه‌گذار مالی را اضافه بر قیمت واقعی آن با قصد تقلب بیمه نماید عقد بیمه باطل بوده و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نخواهد بود. ماده ۱۱ قانون بیمه در این خصوص بیان می‌دارد: «چنانچه بیمه‌گذار یا نماینده او با قصد تقلب مالی را اضافه بر قیمت عادلانه در موقع عقد قرارداد بیمه داده باشد عقد بیمه باطل و حق بیمه دریافتی قابل استرداد نیست. در توجیه فلسفه بطلان چنین عقد بیمه‌ای باید گفت قبول بیمه به قیمتی بیش از ارزش واقعی آن می‌تواند موجب اغوا و تحریک بیمه‌گذار در ایجاد خسارت عمدی شود (کریمی، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

۳-۳-۲) بیمه‌ی خطر پیش از عقد واقع شده

همان‌گونه که می‌دانیم خطر موضوع بیمه واقعی و اتفاقی احتمالی است که منشأ ایراد خسارت می‌شود. جنبه‌ی اتفاقی بودن بیان‌گر آن است که ریسک توجه به وقوع حوادث

بررسی جایگاه عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی..... ۳۲۴

در آینده دارد. لذا حوادثی که قبلاً تحقق یافته‌اند به علت آن که احتمالی بودن در آن‌ها معین است قابل بیمه نیست (بابایی، ۱۳۸۶: ۵۱).

بنابر آنچه در فوق بیان شد، در صورت بطلان قرارداد بیمه بر اساس ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری ۱۳۸۷ صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مکلف به جبران زیان‌های اشخاص زیان‌دیده می‌باشد.

۴-۳-۲) کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه

با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، قانونگذار طی یک اقدام بی‌سابقه در تبصره ماده ۵۵۱ این قانون مقرر نمود: «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی تأمین می‌شود» این تبصره تکلیف و تعهد جدیدی را بر عهده‌ی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نهاده است که در مقایسه با تعهدات نهادهای مشابه آن در کشورهای دیگر، امری بدیع به حساب می‌آید. چرا که در کشورهایی چون فرانسه و انگلیس صندوق مستقل دیگری از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی جهت جبران چنین خسارت‌هایی تاسیس گردیده است.

یکی از مباحث مورد مناقشه در حقوق ایران از دیرباز بحث عدم تساوی دیه زن و مرد در بوده است بدین توضیح که براساس احکام اسلامی دیه نفس زن نصف دیه مرد تعیین شده، به همین خاطر در بحث قتل عمدی زن توسط مرد، ولی دم (زن) باید جهت اجرای قصاص، نصف دیه کامل را به قاتل مرد بپردازد. همچنین در جنایات مادون نفس نیز یعنی جنایت وارد بر اعضا اگرچه دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است لیکن چنانچه ثلث یا بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل پیدا می‌کند.

در ماده ۵۵۰ قانون جدید مجازات اسلامی دیه قتل زن، نصف دیه مرد تعیین شده است اما متعاقباً مقنن در تبصره یک ماده ۵۵۱ این قانون در اقدامی بی‌سابقه هم‌راستا با اصول مقرر در قانون اساسی و همچنین موازین حقوق بشری مقرر داشته است: «در

۳۲۵....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

کلیه جنایاتی که مجنی‌علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود» بدین ترتیب می‌توان گفت مقنن با وضع این تبصره عملاً و قانوناً به نوعی برابری دیه زن با مرد را در قتل نفس پذیرفته است. البته باید توجه داشت که این پرداخت تحت عنوان «معادل» تفاوت دیه تا سقف دیه مرد صورت می‌پذیرد و به عبارت دیگر این مقدار دیه به معنای اخص تلقی نگردیده و به همین خاطر آثار دیه از جمله تغلیظ در ماه‌های حرام بر آن مترتب نخواهد بود. از سوی دیگر مستنداً به نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۱۱۱ تاریخ ۹۲/۶/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه اطلاق ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و تبصره آن شامل دیه کلیه جنایات اعم از عمدی (که در موارد خاص قصاص متفی و دیه تعلق می‌گیرد) و غیرعمدی است. اما در خصوص نحوه چگونگی پرداخت آن چون مقررات مدونی تصویب نشده است، اصلح است که مراتب را از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرسش نمایند.

رویه عملی صندوق در اجرای تبصره‌ی مزبور بدین شکل است که با صدور رای دادگاه مبنی بر پرداخت مابه‌التفاوت دیه زیان‌دیدگان زن تا سقف دیه‌ی مرد، با مراجعه زیان‌دیده و تشکیل پرونده، مبالغ مزبور به زیان‌دیده پرداخت می‌گردد اما باید توجه داشت که این تبصره تنها شامل مواردی است که پس از تصویب قانون جدید مجازات مصوب ۹۲، دچار حادثه گردیده‌اند، چرا که این تبصره به جهت اینکه در راستای حمایت از زیان‌دیده و نه متهم وضع گردیده، عطف به ماسبق نمی‌شود فلذا صندوق در خصوص زیان‌دیدگان حوادث و جرایم پیش از تصویب قانون مجازات ۹۲، مسولیتی بر عهده نخواهد داشت.

از جمله دیگر مواردی که با وضع ماده ۵۵۱ و تبصره‌ی آن محل اختلاف حقوقدانان قرار گرفت، اعمال این تبصره در خصوص جنایات مادون نفس یعنی جنایات وارد بر اعضا بود.

چرا که از یک سو ماده ۵۵۱ در باب دیه نفس و نه در باب کلیات ذکر شده بود و از سوی دیگر ماده ۵۶۰ قانون مجازات در باب دیه اعضا بیان می‌داشت: «دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است، و چنانچه ثلث یا بیشتر شود،

دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد.» به همین خاطر عده‌ای بر این باورند که باتوجه دلایل مذکور اعمال تبصره‌ی ماده ۵۵۱ تنها در خصوص دیه نفس امکان‌پذیر است و در مواردی که بحث دیه اعضا و منافع مطرح می‌گردد، این تبصره قابل استناد نمی‌باشد.

اما به نظر می‌رسد این استدلال چندان هم صحیح نیست چرا که تبصره ۵۵۱ مطلق گفته شده و می‌تواند در باب دیه نفس و همچنین دیه اعضا مورد استناد قرار گیرد علاوه بر اینکه با پذیرش جبران معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد در دیه نفس به قیاس اولویت می‌بایست اعمال این تبصره را در دیه مادون نفس یا همان دیه اعضا و منافع نیز پذیرفت و عنوان کردن تبصره مزبور در باب دیه نفس می‌تواند از باب بیان غلبه و یا اهمیت بیشتر دیه نفس نسبت به دیه اعضا بوده باشد.

و اما در خصوص حوادث رانندگی وضع تا حدودی متفاوت است چرا که مقنن از سال‌ها پیش با تصویب قانون بیمه اجباری ۸۷ در تبصره ۲ ماده ۴، بیمه‌گر را مکلف به جبران خسارت زیان‌دیده بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه‌نامه نمود و به این ترتیب تفاوتی میان بیمه‌گذاران از حیث جنسیت وجود نداشت و چنانچه زنی در اثر حادثه‌ی رانندگی که راننده‌ی وسیله نقلیه مرد بود فوت می‌نمود، شرکت بیمه مکلف بود بدون لحاظ جنسیت زن، معادل یک دیه کامل مرد مسلمان را به اولیای دم وی از محل بیمه‌نامه پرداخت نماید و بیمه‌گر نمی‌توانست با استناد به اینکه دیه زن نصف دیه مرد است از بار مسولیت شانه خالی نماید. قانون جدید بیمه اجباری نیز در این خصوص در ماده ۱۰ اینگونه بیان می‌دارد: «بیمه‌گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان‌دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند».

به این ترتیب می‌توان گفت در حوادث رانندگی با توجه به اینکه مقنن بیمه شخص ثالث را، اجباری و از سویی پرداخت خسارت از محل بیمه‌نامه را بدون لحاظ جنسیت، تعیین نموده است، بنابراین پرداخت دیه نفس چه در خصوص مجنی علیه زن و چه مرد، معادل یک دیه کامل مرد مسلمان می‌باشد و اصولاً بحث تبصره ماده ۵۵۱ در این موارد منتفی است مگر اینکه وسیله نقلیه مسبب حادثه فاقد پوشش بیمه‌نامه باشد که در

۳۲۷....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

این فرض مابلیغ پرداختی از جانب صندوق تا نصف دیه مرد مسلمان که به قائم مقامی از مقصر به زیان‌دیده پرداخت می‌گردد، قابل بازیافت خواهد بود ولیکن معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد، مستندا به بند ۴ تبصره ۱ ماده ۲۵ قانون بیمه اجباری، در راستای اجرای تبصره ۵۵۱ قانون مجازات، قابل بازیافت از مقصر حادثه نمی‌باشد.

و در آخر اینکه با توجه به تصویب تبصره ۵۵۱ قانون مجازات که موخر بر تبصره ۲ ماده ۴ قانون بیمه اجباری در سال ۸۷ بود این سوال به وجود آمد که آیا تبصره ۵۵۱ قانون مجازات، تبصره ۲ ماده ۴ قانون بیمه اجباری را تخصیص زده است یا خیر؟ به عبارت دیگر در قانون بیمه اجباری پرداخت خسارت بدون لحاظ جنسیت بر عهده‌ی بیمه‌گر قرار داده شده بود در حالیکه در تبصره ۵۵۱ پرداخت معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد بر عهده‌ی صندوق تامین‌گذارده شده است و چون قانون مجازات مصوب ۹۲ نسبت به قانون بیمه اجباری ۸۷، قانون موخر به حساب می‌آید این سوال مطرح شد که آیا تبصره‌ی مزبور مخصص قانون بیمه اجباری است یا خیر و آیا در حوادث رانندگی پرداخت تفاوت دیه زن و مرد بر عهده‌ی صندوق است یا خیر؟ در پاسخ این پرسش اداره حقوقی قوه قضاییه، طی نظریه مشورتی این گونه پاسخ داد که تبصره یاد شده مربوط به جنایات مقرر در این قانون است و نه تنها نسخ تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه‌ی موتوری زمینی نیست بلکه در مقام گسترش دایره شمول آن مقررات بوده و آن را به غیر از حوادث رانندگی نیز تسری داده است.

در قانون جدید بیمه اجباری نیز مجددا در ماده ۱۰ پرداخت خسارت بدون لحاظ جنسیت تا سقف تعهدات بیمه‌نامه بر عهده‌ی شرکت بیمه‌گذارده و در بند ۴ تبصره ۱ ماده ۲۵ به پرداخت مابه‌التفاوت دیه شرعی با مرد مسلمان اشاره شد که این امر تاییدی بر نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۱۰۰ می‌باشد.

عنوان دیگری که در ماده ۱۰ قانون سابق پیش‌بینی شده ولیکن در ماده ۲۱ حذف گردید، تعلیق تامین بیمه‌گر است تعلیق تامین بیمه‌گر بدین معناست که بیمه‌گر به علل عدم پرداخت حق بیمه از سوی بیمه‌گذار، اثر حمایتی خود را از بیمه‌گذار معلق نماید. هرگاه بیمه‌گر به علت تأخیر بیمه‌گذار نسبت به پرداخت قسط حق بیمه در سررسید

مقرر یا عدم انجام آن تأمین خود را به حالت تعلیق درآورد. بیمه‌گر متعهد به جبران خسارت‌های واقع در زمان تعلیق نیست و اگر بیمه‌گذار در دوران تعلیق خسارتی به اشخاص ثالث وارد نماید در تعهد بیمه‌گر نخواهد بود.

تعلیق تأمین بیمه‌گر را باید ضمانت اجرای عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار دانست (کریمی، ۱۳۷۷: ۱۲۷) اگرچه قانون حکم خاصی در این زمینه بیان نکرده است ولی با رجوع به اصول کلی مربوط به عدم پرداخت و عدم انجام تعهدات قراردادی مقرر در قانون مدنی این نتیجه بدست می‌آید. همان گونه که می‌دانیم عقد بیمه عقدی معوض است و مقتضای چنین عقود ایجاب می‌نماید که هر کس در برابر کار یا عوضی که پرداخت می‌کند معوض را دست آورد. نتیجه‌ی عدم دستیابی به چنین هدفی تعلیق تأمین بیمه‌گر و رهایی او از تعهد به جبران خسارت در صورت وقوع حادثه است (بو، ۱۳۷۳: ۹۹).

بنابراین در عمل شرکت‌های بیمه به هنگام انعقاد قرارداد بیمه‌ی اجباری با گنجانیدن شرط تعلیق از حق قانونی خود مبنی بر دریافت حق بیمه از بیمه‌گذار حفاظت می‌نمایند. مضمون این شرط به این صورت است که بیمه‌گر مجاز است به علت تأخیر بیمه‌گذار در پرداخت حق بیمه و یا اقساط آن در سررسید معین تأمین خود را به حالت تعلیق درآورد. بنابراین در صورتی که به علت عدم پرداخت حق بیمه توسط بیمه‌گذار، بیمه‌گر حمایت و تأمین خود را نسبت به وی معلق کرده باشد، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مکلف به پرداخت خسارت‌های جانی وارد به زیان‌دیدگان خواهد بود اما از آنجاکه صندوق تعهدی به جبران خسارت‌های مالی زیان‌دیدگان ندارد، برای آنان چاره‌ای جز رجوع به مسبب حادثه بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی وجود ندارد (سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۳۶).

در قانون جدید البته تعلیق تعهدات بیمه‌گر رد شده است. بر اساس ماده ۱۱ قانون جدید، درج هرگونه شرط در بیمه‌نامه که برای بیمه‌گذار یا زیان‌دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه‌گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه‌نامه نمی‌شود. همچنین اخذ هرگونه رضایتنامه از زیان‌دیده توسط بیمه‌گر و صندوق مبنی بر رضایت به

۳۲۹.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایتنامه‌ای بلااثر است.

۵-۳-۲) شناسایی نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه

مواردی پیش می‌آید که تصادف موجب خسارت بدنی دیگران می‌شود و عامل زیان برخلاف اصول اخلاقی به جای کمک و نجات مصدوم، راه فرار را در پیش می‌گیرد. در این گونه موارد چون بیمه‌گذار و مسئول حادثه نامعلوم است و بیمه‌گر نمی‌داند که از محل کدام بیمه‌نامه به جبران خسارت پردازد ناچار باید مرجعی برای تأمین زیان‌های وارد شده به مصدوم وجود داشته باشد (افشار، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

این فرض به ویژه هنگامی رخ می‌دهد که وسیله‌ی نقلیه‌ی موجب حادثه از صحنه تصادم می‌گریزد و زیان‌دیده ثابت می‌نماید که مسئول منحصر حادثه، وسیله متواری است (غمامی، ۱۳۸۰: ۲۳۰). از آنجا که هدف وضع قانون بیمه‌ی اجباری حمایت از اشخاص زیان‌دیده و جبران خسارت‌های وارد به آنها در نتیجه حوادث رانندگی است، لذا نباید به دلیل شناسایی نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، خسارت‌های وارد به آنها جبران نشده باقی بماند. از این رو به حکم ماده ۲۱ قانون مزبور صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به عنوان مرجع ترمیم این زیان‌ها معرفی شده است.

لازم به ذکر است عنوان مطروحه در ماده ۱۰ قانون ۸۷ با آنچه که در این خصوص در ماده ۲۱ قانون ۹۵ بیان شده متفاوت است توضیحا آنکه در ماده ۱۰ قانون سابق به فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه اشاره شده بود در حالیکه قانون ۹۵ در ماده ۲۱ با حذف عنوان فرار کردن و تغییر عنوان شناخته نشدن مسئول حادثه، به شناخته نشدن وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه، ابهامات موجود در این خصوص را برطرف نمود. پیش از تصویب قانون ۹۵ و به عبارتی اصلاح ماده ۱۰ قانون سابق، این ماده منجر به ایجاد دو ابهام گردیده بود اول آنکه چه تفاوتی بین عنوان فرار کردن و شناسایی نشدن مسئول حادثه وجود دارد چراکه در نهایت فرار کردن نیز منجر به عدم شناسایی مسئول حادثه می‌گردید و دوم آنکه منظور از مسئول حادثه چیست به عبارت دیگر

منظور از مسئول حادثه، وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه است و یا راننده‌ی مسبب حادثه؟ اهمیت کاربردی این امر در پرونده‌هایی نمود داشت که در آن وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه به هر نحو، مثلاً راننده وسیله را در صحنه‌ی حادثه رها کرده و خود متواری شده، شناسایی گردیده بود ولیکن راننده‌ی مسبب حادثه مشخص نبود که در این حالت با توجه به ماده ۱۰ قانون ۸۷ عده‌ای این فرض را مطرح نمودند که منظور از مسئول حادثه در این مورد در واقع شخص راننده است فلذا در مواردی که حتی وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه شناسایی می‌گردید ولی راننده مشخص نبود، این مورد مشمول تعهدات صندوق تامین خسارتهای بدنی تلقی می‌شد. لازم به ذکر است این فرض در صورتی مطرح می‌شود که وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه، فاقد پوشش بیمه‌نامه باشد چرا که اگر وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه دارای پوشش بیمه‌نامه باشد جبران خسارت می‌بایست از محل بیمه‌نامه‌ی این وسیله صورت گیرد و نباید به اشتباه پنداشت که در هر مورد که راننده شناسایی نمی‌گردد، جبران خسارت بر عهده‌ی صندوق تامین خواهد بود بلکه در مواردی که وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه شناسایی می‌گردد و این وسیله دارای پوشش بیمه‌ای می‌باشد مستنداً به تبصره ۲ ماده ۱ قانون ۸۷ در هر حال خسارت وارده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد و اصولاً در فرضی که وسیله‌ی نقلیه مسبب حادثه دارای بیمه‌نامه است این امر که راننده‌ی وسیله مزبور چه شخصی بوده است رافع تکلیف و مسئولیت شرکت بیمه نمی‌باشد و اما با تصویب ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری در سال ۹۵ ابهام موجود در این خصوص برطرف شد چراکه در این ماده عنوان فرار کردن حذف گردید و عبارت شناخته نشدن مسئول حادثه به شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، تغییر یافت.

با این تغییر کاشف به عمل آمد که منظور از مسئول حادثه در حقیقت همان وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه است و نه راننده‌ی مقصر و به عبارت دیگر می‌توان گفت قانون بیمه اجباری در حقیقت قانونی وسیله‌محور است و نه شخص‌محور فلذا در مواردی که وسیله‌ی نقلیه مسبب حادثه به هر نحو شناسایی گردد با دو فرض رو به رو هستیم اول آنکه وسیله‌ی شناسایی شده دارای پوشش بیمه‌نامه باشد که در این صورت، جبران خسارت وفق بند الف ماده ۴ قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵، بر عهده‌ی بیمه‌گر

۳۳۱... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

می‌باشد و فرض مسئولیت صندوق تامین در این مورد منتفی است حتی اگر راننده‌ی وسیله‌ی مزبور به هر دلیل شناسایی نگردد: در همین راستا بند الف ماده ۴ این قانون بیان می‌دارد: «الف- در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه‌نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارد شده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه‌گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان‌دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه بیمه‌گر و مسبب حادثه طرح می‌کند. این حکم، نافی مسئولیت‌های کیفری راننده مسبب حادثه نیست. تا جایی که حتی در ماده ۱۵ با عنوان کردن مواردی چون اثبات عمد راننده‌ی مسبب حادثه، رانندگی در حالت مستی، استعمال مواد مخدر، روان‌گردان، فقدان گواهی‌نامه رانندگی یا حتی گواهی‌نامه متناسب با نوع وسیله نقلیه و فرض سرقت وسیله نقلیه مسبب حادثه و ایجاد حادثه را بر عهده‌ی شرکت بیمه قرار داده است تنها با این تفاوت که در این موارد شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت حق رجوع به راننده‌ی مسبب حادثه را خواهد داشت.

و اما فرض دوم آنکه وسیله نقلیه مسبب حادثه شناسایی گردد ولیکن این وسیله برخلاف تکلیف قانونی که بر عهده‌ی مالک-متصرف گذاشته شده، فاقد بیمه‌نامه باشد، که در این مورد دو امکان وجود دارد اول آنکه راننده مقصر حادثه نیز شناسایی گردد که در این فرض مستندا به ماده ۲۵ این قانون مقصر حادثه فاقد بیمه‌نامه می‌تواند در صورت تمایل به صندوق تامین مراجعه نماید و بدیهی است که مبالغ پرداختی در این مورد به مقصر حادثه توسط صندوق، قابل بازیافت و ریکاوری خواهد بود. (بند الف ماده ۲۵ ق ب ا) و اما فرض دوم این است که علی‌رغم شناسایی وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه که فاقد پوشش بیمه‌نامه نیز می‌باشد، راننده‌ی آن به هر دلیل شناسایی نگردد که در این فرض دو استدلال مطرح است اول آنکه با توجه به اینکه مالک وفق قانون مکلف بوده وسیله نقلیه را بیمه نماید لذا اکنون ضمانت اجرای عدم بیمه کردن وسیله‌ای که مسبب حادثه شده، این است که جبران خسارت بر عهده‌ی مالک باشد هرچند که وی مباشر ورود خسارت به زیان‌دیده نبوده ولیکن تعهدی قانونی ناشی از بیمه اجباری بر عهده‌ی وی ثابت است و زیان‌دیده حق دارد به مالک مراجعه نماید که در این صورت مشخص است که صندوق تامین در این مورد مسولیتی نخواهد داشت.

و اما استدلال دیگری که به ذهن می‌رسد آنکه ضمانت اجرای عدم بیمه کردن وسیله‌ی نقلیه‌ی مسبب حادثه جرمه‌ای است شبیه به آنچه در بند پ ماده ۴ این قانون برای مالک تعیین شده است و نه جبران خسارتی که توسط دیگری وارد شده است علاوه بر اینکه در حقوق کیفری اصل شخصی بودن جرم و مجازات و همچنین اصل برائت این استدلال را تقویت می‌نماید و در این مورد نمی‌توان عرفاً وقوع بزه ارتكابی را به مالک نسبت داد. به همین خاطر باید گفت این فرض نیز بر عهده‌ی صندوق تامین خسارتهای بدنی قرار می‌گیرد.

۶-۳-۲) صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر

همان‌گونه که می‌دانیم معاملات بیمه‌ای بر اساس بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت از جمله معاملات تجاری محسوب می‌شود (اسکینی، ۱۳۸۲: ۸۵). از آنجا که بر اساس ماده مزبور هر شخصی که به انجام «عملیات بیمه بحری و غیربحری» مبادرت ورزد تاجر محسوب می‌شود، لذا شرکت‌های بیمه را باید نمونه‌ای از اشخاص حقوقی تاجر به حساب آورد. به همین دلیل در صورتی که بیمه‌گر از پرداخت دیون خود متوقف شود حکم به ورشکستگی وی صادر خواهد شد. ماده ۴۱۲ قانون تجارت در این خصوص بیان می‌دارد: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده‌ی اوست حاصل می‌شود».

پس از صدور حکم ورشکستگی آزادی تاجر در اداره اموالش محدود می‌شود. این حکم دارای اثر عام است. در این خصوص ماده ۴۱۸ قانون تجارت اذعان می‌دارد: «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم‌مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند».

بنابراین تصفیه امور ورشکستگی با مدیر تصفیه است. ماده ۵۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری در این خصوص بیان می‌دارد: «در صورتی که ورشکستگی

۳۳۳... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

یک مؤسسه بیمه اعلام بشود دادگاه مکلف است قبل از اتخاذ هر گونه تصمیم نظر بیمه مرکزی ایران را جلب نماید. بیمه مرکزی ایران از تاریخ وصول استعلام دادگاه باید ظرف ۱۵ روز نظریه خود را کتباً به دادگاه اعلام دارد. دادگاه با توجه به نظریه بیمه مرکزی ایران تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد».

بنابراین ماده، تصفیه امور ورشکسته را اداره تصفیه امور ورشکستگی با نظر و همکاری بیمه مرکزی ایران به عمل می‌آورد. بنابر آنچه گذشت چنین نتیجه می‌گیریم که هرگاه قرارداد بیمه‌ی اجباری دارای اعتبار بوده اما بیمه‌گر به علت صدور حکم توقف و یا ورشکستگی توانایی پرداخت خسارت به زیان‌دیدگان را نداشته باشد، افراد زیان‌دیده بر اساس ماده ۲۱ قانون بیمه‌ی اجباری حق مراجعه به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را خواهند داشت.

تفاوت قانون جدید در مقایسه با قانون ۸۷ در این مورد اضافه نمودن حکم توقف به ماده ۲۱ این قانون بود چراکه در قانون قبل تنها به صدور حکم ورشکستگی اشاره شده بود و در خصوص حکم توقف با سکوت قانونی رو به رو بودیم که خود منجر به ایجاد ابهاماتی در این خصوص گردیده بود که با اضافه شدن حکم توقف به این ماده، ابهامات موجود رفع شد.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی این سوال اساسی پرداخته است که مسئولیت مدنی مبتنی بر عدالت توزیعی در حقوق ایران چه جایگاهی دارد؟ یافته‌های تحقیق نشان داد در چندین مورد می‌توان به مصادیقی از عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران دست یافت. در نظام حقوقی ایران در بعضی موارد مسئولیت مدنی بدون تقصیر به عنوان مصداق عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در نظام مسئولیت مدنی بدون تقصیر، زیان‌دیده برای مطالبه خسارات خود نه نیازی به اثبات تقصیر دارد و نه در دسته‌ی زیان‌های غیرقابل‌انتساب به دولت حتی اثبات رابطه‌ی بینیت بین فعل زیانبار و وقوع ضرر را لازم دارد. براین اساس شاید بتوان مهمترین مبنا

را در مسئولیت بدون تقصیر، برقراری عدالت توزیعی و حمایت از زیان‌دیده دانست. اصلی‌ترین ملاک به جهت برقراری این مسئولیت همانا برقراری تأمین اجتماعی، اجرای عدالت و رعایت انصاف است. این نظریه در قانون ایران نیز به چشم می‌خورد. مسئولیت صندوق تأمین خسارت بدنی مصداق بازر مسئولیت بدون تقصیر است. در واقع، تأسیس صندوق تأمین خسارت بدنی را بر مبنای نظریات جدید مسئولیت بدنی به خصوص عدالت توزیعی نیز می‌توان توجیه کرد. در عدالت توزیعی هدف آن است که ضرری که از بابت ورود خسارت به زیان‌دیده وارد می‌شود، بین اعضای جامعه پخش شود تا آثار نامطلوب جبران آن به دلیل نزولی بودن مطلوبیت نهایی پول کمتر مشاهده شود. در عدالت توزیعی زیان‌های ناشی از حوادث به عنوان جزئی از زندگی مشترک اجتماعی تلقی شده که باید به طور جمعی با آن برخورد گردد.

یکی دیگر از ابعاد عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی تعیین درجه تقصیر است. در حقوق موضوعه ایران، ماده‌ی اول قانون مسئولیت مدنی درصدد ایجاد یک قاعده کلی بوده است. بنابراین مقررات خاص قانون مدنی از قبیل ماده‌ی ۳۲۸ و ۱۲۱۶ ق.م.م همچنان به قوت خویش باقی است، به عبارت دیگر اصل مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به عنوان یک قاعده‌ی عام در ماده اول ق.م.م پذیرفته شده است و کماکان این اختیار در دست قانونگذار است که در موارد معین، قواعد مسئولیت عینی را تأسیس نماید و بطور قطع این یک مسئولیت استثنائی است و تا جائیکه بتوان از نظریه‌ی تقصیر و مفهوم اجتماعی آن استفاده کرده و در پاره‌ای از موارد مشکلات را با فرض تقصیر و امارات تقصیر حل نمود، کنار گذاشتن آن شایسته نیست.

در حقوق ایران تقسیم مسئولیت باید بر اساس میزان تأثیر هر یک از اسباب در نتیجه زیانبار صورت بپذیرد، زیرا اولاً مسئولیت تضامنی با مبانی حقوق ما سازگاری ندارد. ثانیاً راه‌حلی را که ماده‌ی ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی پذیرفته است ناظر به موردی است که دخالت اسباب به نحو مساوی است. به عبارت دیگر طبق ماده‌ی مذکور اصل بر این است که تأثیر هر یک از اسباب به طور مساوی است پس تقسیم مسئولیت هم بطور مساوی خواهد بود مگر این که خلاف آن ثابت شود. یعنی اگر تأثیر اضافی برخی از اسباب نسبت به برخی دیگر اثبات نشود اصل بر تساوی است. بنابراین

۳۳۵.... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

اگر مدعی بتواند چنین ادعائی را ثابت کند قاضی پرونده باید بر همان اساس حکم دهد چه مفاد ماده‌ی ۳۶۵ ناظر به موردی است که نتوان میزان تاثیر هر یک از اسباب را ثابت کرد.

منابع

الف: منابع فارسی

- امینی، منصور، خروش، عبدالعظیم، (۱۳۸۷)، حکم متعهد بیمه گذار در ارائه اطلاعات مؤثر بر انعقاد و عقد بیمه، فصلنامه صنعت بیمه.
- افشار، حسن، (۱۳۸۹)، بیمه شخص ثالث و حقوق شهروندی، انتشارات نشر اندیشه عصر.
- اسکینی، ربیعا، (۱۳۸۲)، حقوق تجارت کلیات: معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، انتشارات سمت، چاپ نهم.
- بادینی، حسن و اسلامی، علی، (۱۳۹۲)، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۳، صص ۲۵-۴۴.
- بابایی، ایرج، (۱۳۸۶)، حقوق بیمه، انتشارات سمت، چاپ ششم.
- بو، روزه، (۱۳۷۳)، حقوق بیمه، ترجمه محمد حیاتی، بیمه مرکزی ایران، چاپ اول.
- پاول، آلن، (۱۳۸۱)، بیمه‌های مسئولیت، ترجمه علی اکبر رئیسه، بیمه مرکزی ایران.
- تقی زاده، سیده سهیلا، (۱۳۹۵)، تداخل اسباب در مسئولیت مدنی، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- سلطانی، مریم، (۱۳۹۶)، تحولات قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه ۱۳۹۵، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز جنوب تهران.
- کاظمی، محمود، (۱۳۹۰)، اثر فعل زیان دیده بر کسئولیت مدنی عامل زیان، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۵۷، صص ۷۹-۱۰۴.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، دوره ی مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی). چاپ اول. تهران: نشر بلد.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹)، الزامات خارج از قرارداد، جلد اول، انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران: چاپ اول، موسسه چاپ انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمی، آیت، (۱۳۷۷)، بیمه اموال و مسئولیت، دانشکده امور اقتصادی، چاپ دوم.
- پورکافی، بهاره، (۱۳۹۴)، تقسیم مسئولیت مدنی بن اثبات ورود و زیان در حقوق ایران با تاکید بر رای وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه آزاد واحد مرودشت.
- صانعی، یوسف، (۱۳۸۴)، استفتائات قضایی، جلد یکم، کلیات قضا- جزائیات، تهران: نشر

۳۳۷... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

میزان، چاپ اول.

- غمامی، مجید، (۱۳۸۰)، تحول حقوق فرانسه در زمینه حوادث رانندگی، در تحقیق مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

- فخر المحققین، (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. جلد چهارم. قم: المطبعه العلمیه.

- قاسم‌زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۷)، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، انتشارات میزان، تهران.

- خدابخشی، عبدالله، (۱۳۹۱)، توزیع خسارت در حقوق مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۶.

- محمود صالحی، جانعلی، (۱۳۸۴)، حقوق زیان‌دیدگان و بیمه شخص ثالث، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

ب: منابع لاتین

-Fleming, John G, (1971), Law of Tort, 4 the edition, Law Book Co. Limited, Australia.5.

-Jordain, Patrice, (2010), Droit A Reparation-Lein de Causalite – Pluralite des du Dommage, Juris Classeur Responsabilite Cilice et Assurances, Fast.

-Lunney, Mark & oliphant, ken (2000), "Tort Law" Textand materials, Oxford, university pree.

-Uliescu, Marilena, (1993), La Responsabilitepour les Dommages ecologiques, Revue Interntionale de Droit Copar.